

باسمه تعالی

دکتر محمد مهدی پورگل

## مجلس خبرگان

### در راه تدوین قانون اساسی

تحقق جمهوری اسلامی با توجه به عظمت آراء ملت بر تثبیت آن امری است که عدول از آن در قدرت هیچیک از احاد ملت ایران نمی تواند باشد. زیرا مراجعه بآراء عمومی در دهم فروردین ماه ۱۳۵۸ با تمام صداقت و وسعت و کثرتی که در تاریخ رای گیری داشته است، در تحکیم و تسجیل رژیم ایران محکمترین شالوده حکومت راپی ریزی نموده است و نوع خواست ملت را پس از فریادهای خشم آلود دوره انقلاب بصورت «جمهوری اسلامی» بیان داشته است.

تردیدی نیست که آمال امت ما باید با تجسم ایده نولوژی و احکام حیات آفرین اسلامی در ذیل این جمهوری تبلور و تجلی پیدا کند. و این مهم جز به تحول بنیادهای جامعه و تبدیل آنها از کمیت و کیفیت اعصار پیشین به گونه ای منطبق با معیارهای راستین اسلام و موازین قرآن نخواهد بود. و در حقیقت مفهوم انقلاب جز این نیست چه در هر انقلاب انتظار این است که تغییراتی بنیادی در جمیع ابعاد جامعه پدید آید و گرنه رفرم های اجتماعی بدون خشم و خروش اجتماعی هم میتواند پاره ای آلام جامعه را تسکین بخشد لیکن هرگز جوابگوی دردهای بی درمان جامعه ای نیست که بانواع بیماری های جسمی و روحی مبتلا گردیده است و تا آنجا علیل است که در هیچیک از شؤون اقتصادی و سیاسی و فرهنگی رمقی بروی باقی نمانده است.

اگر تصور شود که انحراف جامعه ما از اعتدال و فطرت سایم تنها به ظهور ننگین ترین سلسله های پادشاهی در پنجاه سال اخیر موکول بوده است اشتباهی فاحش خواهد بود. اگرچه خاندان پهلوی درسوق ملت ما به شرم آورترین صحنه های حیات اجتماعی عامل مؤثر و دردناکی بوده است اما ریشه اساسی این انحطاط را باید در سیر تدریجی امت اسلامی از ملکوت زندگی تابناک قرآنی به وادی دهشتناک عبادت اربابان گوناگون بشری جستجو کرد.

بر اهل بصیرت پوشیده نیست که رژیم حکومت درسرمینهای اسلامی بعد از امیرالمؤمنین عالی (ع) آرام آرام چهره توحیدی خود را بهمان سیمانی مبدل ساخت که پیش از اسلام داشته است. و محتوای آن از نظر صورت و سیرت به گونه ای درآمد که پیشینیان صاحب آن بوده اند. ابوالفرج در آغانی ترسیمی از دربار خلفاء عباسی دارد، که دست کم از دربار خسرو پرویز نداشته است. غارت، عیاشی، ستم، تعبید انسانها همان بوده است که پیش از طلوع آفتاب درخشان اسلام. اگر بیاد بیاوریم سخن سرباز مسلمان را در پیش روی فرمانده ارتش ساسانی: «الله جاء بنا لنخرج من شاء من عبادة العباد الی عبادة الله ومن ضيق الدنيا الی سعتها ومن جور الادیان الی عدل الاسلام» خداوند ما را بحرکت در آورد تا بندگان را از بندگی بندگان به بندگی خدا و از تنگنای ظالم دنیا به فراخنای حیات انسانی و از ستم انحراف ادیان به محیط عدل احکام و تعالیم اسلام بکشانیم»<sup>۱</sup>.

متوجه میشویم که هدف از دعوت مال به اسلام و درهم کوبیدن سلسله های پادشاهی و الفاء شاهنشاهی و فففوری و خاقانی و قیصری چه بوده است. و دیگر چون آن بینوا برای نگونساری تاج کیانی مرثیه سرائی نمی نمائیم و نمی گوئیم

به شیرشتر خوردن و سوسمار عرب را بجائی رسیده است کار

که تاج کیانی کنند آرزو تفویز تو ای چرخ گردون تفو

راستی عرب بقدرت شیرشتر خوردن و تناول سوسمار این قدرت را بدست گرفته است که بزرگترین اهرم قدرت جهانی زمان یعنی دولت پرمطراق ساسانی را درهم می شکند؟ از غایت بلاهت است که تصور شود در دو ماده شیرشتر و سوسمار این همه نیرو متمرکز یافته باشد.

برادر! پابره‌های حجاز با همان نیرو و جنگ دو ابر قدرت زمان: ساسانیان و رومیان رفتند که مشتهای گره‌کرده و بی‌اساسه مابه نبرد تانگها و توپها و فانتوم‌ها.  
 راستی انقلاب اسلامی ایران چه شبیه است به جهاد مقدس مسلمانان پاک‌باخته صدر اسلام. آنان به بانگ الله اکبر مشارق و مغارب را بلرزه در آوردند و کوه‌ها از هیبت فریادهای رعد آسای آنان مرتعش گردید. امت مستضعف‌مانیز با ندای توحیدی و کوه-افکن الله اکبر میدانهای رزم را پرآوازه ساخت و سنگرهای طاغوت را یکی پس از دیگری فتح نمود.

برادران مسلمان مادر آغاز طلوع خورشید تابناک اسلام مشابهت فراوان در رهبری با زمان مادرانند در این دوره‌ی صفا و خلوص و سادگی و دانش و بینش و فراست روحانی وجود دارد. زعیم بزرگ ما بمصداق (الشیعة من شاع غلیاً) همگی همت خویش را به گام نهادن در جای پای علی (ع) مصروف میدارد و منش و روش خود را باوشبیه میسازد. بهنگام رأفت علی‌گونه مهر می‌ورزد و عطفوت می‌آورد و بگناه خشم طوفانی چون حیدر کرار ظاهر میسازد.

در این میان فصل ممیزی است در این امت مبارز و آن ماست پیشین که امیر المؤمنین (ع) گاه از عدم شناخت یاران و تهاون ایشان در انجام فرمائشها بخود می‌پیچد و تازیانه ملامت بر آنها فرو میکوبد. لیکن رهبر آگاه امام خمینی بیک دعوت میلیونها انسان مشتاق و جانباز را برای تحقق اهداف اسلامی و طرد و تنبیه عناصر آلوده و خود باخته به آوردگاه گسیل می‌دارد. چیزیکه در بسیط تاریخ همانند نیافته است.

توطئه‌های بعد از انقلاب در یک زمینه وسیع یکی پس از دیگری میرفت که طومار حرکت عظیم امت ما را درهم کوبد و ارکان آنرا از بن برآرد اما این فصل ممیز که در بالا بدان اشاره رفت به‌مراه هوشیاری و آگاهی مردم ما عرصه را بر فرزندان فتنه و فساد تنگ نمود و رشته‌های آنان را پنبه ساخت. با آنکه عناصر ضدانقلاب و دوستاناران بیگانه نیک میدانستند که این انقلاب از صمیم دل ملت اسلام برخاسته و هیچ رنگی جز صبغه اسلام نمی‌پذیرد باز از هیچگونه تلاشی در انحراف دادن انقلاب اسلامی و تغییر ماهیت اسلامی آن مضایقه نمودند.



تدوین قانون اساسی بهترین فرصتی بود که عناصر غیرمستقیم و واماندگان عصر انقلاب برای دسیسه‌چینی بدان متمسک شوند اینان که به‌جمهوری اسلامه (نه) گفته بودند طالب تعیین قانون اساسی جمهوری اسلامی شدند. راستی کوسه وریش پهن که میگویند همین است. و عجب آنکه وقتی در انتخابات توفیقی نیافتند بهزار عیب و علت اشاره کردند که خود بیش از دیگران بدان عیوب متصف بودند.

اینک مجلس خبرگان جهت بررسی و تدوین قانون اساسی تشکیل گردیده و در صدد است تا آرمانهای امت مستضعف ما را در موادی ترتیب و تبویب بخشد که نصب‌العین قوای مقننه و قضائیه و مجریه در سالهای پردوام آینده باشد. و مشتمل بر اصول و مضامینی که در دگرگونی بنیادهای طاغوتی و تحکیم و تثبیت نهادهای اصیل اسلامی کم‌وکاستی نداشته باشد. زیرا از جمله فریادهای مردم ما در جمیع مواضع انقلاب عبارت بود از: (نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی) راستی این عبارت آهنکین با همه کوتاهی چه پرمحتوی و پرمفز است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی باید درست منطبق بر همین شعار جامع باشد و اصرار و ابرام ملت با همه جانبازیها در ضوء رهنمودهای امام بر همین اصل متکی است.

کاپیتالیسم قهار و مارکسیسم دور از فطرت نباید در تجلیگاه انقلاب اصیل اسلامی ایران یعنی قانون اساسی راه پیدا کند. و از این رو بیش از هر قشر فقهاء عظام در مجلس خبرگان راه یافتند زیرا مردم خواهان تأسیس اصول اسلامی در این قانون هستند.

تا اصل (نفی سبیل) حریت و عدم وابستگی امت را حیاتی نوین بخشند.  
 تا اصل (لا ضرر) استقلال اقتصادی را تأمین کند.  
 تا اصل (تسلیط) حقوق مردم را رعایت نماید.  
 تا اصل ...

آنچه که پیش از هر چیز باید قانون اساسی آتی را از قانون اساسی گذشته ممتاز سازد زدودن رنگ غربی از آنست زیرا تصویب قانون اساسی مشروطه در جوی انجام گرفت که سیطره فکر غربی بر نویسندگان آن گسترده بود و شاید بسیاری

از آنان تجسمی از اسلام راستین و بدور از شوائب دمکراسی غربی در ذهن خویش نداشتند و در مقایسه دمکراسی غربی با سلطنت استبدادی به یکباره دست بدامن مشروطه زدند و گوئی فراموش کردند ، که اصل بقاء سلطنت با توجه به آیه شریفه «ان الملوک اذا دخلوا قریة» افسدوها... پادشاهان چون به سرزمینی درآیند آنرا به فساد کشانند»<sup>۳</sup> نمیتواند موجه باشد هرچند لگام مشروطه بر آن زنی چه از دیرباز سلاطین امتحان خویش را داده اند . و دوهزار و پانصدسال تجربه استبدادی و مشروطه خود برای تعیین سرنوشت شاهی برای امت مستضعف ما و همه مستضعفان جهان کافی و بسنده است.

۳۵ میلیون انسان آزاده ایران و همه مردم محروم و ستم رسیده جهان چشم به حاصل مبارزات و مجاهدات قیام خونبار ایران یعنی انشاء قانونی دوخته اند که مجلس خبرگان مأمور بررسی نهائی و عرضه آن به مات ایران است . پیداست با توجه به مقدماتی که این مجلس در تگون خویش داشته ثمره ای خوشگوار به منتظران خویش تقدیم خواهد داشت . \* انشاء الله \*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي مرکز